

قصه‌های دریا



خواهرم خوشن

خاطرات دریادار دوم عرشه: علی‌اکبر خدیو

نویسنده: مهدی زارع



این کتاب با حمایت معنوی امیردربدار حبیب‌اله سیاری فرمانده سابق نیروی دریایی کشورمان تهیه و منتشر شده است.

انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)



حوزه هنری کودک و نوجوان

قصه‌های دریا

خواهرم جوشن

خاطرات دریادار دوم مرتضی‌علی اکبر اخگر

نویسنده: مهدی زارع

مدیران پروژه: مرتضی سرهنگی / ساسان ناطق

مناور نیروی دریایی: ناخدا هوشنگ سیدی و دریادار علی اکبر اخگر

ویراستار: سپیده شاهی / مدیر هنری: امجد مهری

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۱۰ نسخه

شابک دوره: ۶-۵۳۷-۰۳-۹۷۸-۶۰۰

شابک ج: ۴-۱۷۶۱-۰۳-۹۷۸-۶۰۰

مقدمه: شناسه: اخگر، علی اکبر، ۱۳۲۸ -

عمران، ناهیدیاور: خواهرم جوشن: روایتی از خاطرات دریادار دوم از شناسه: علی اکبر اخگر / نویسنده: مهدی زارع / مدیر پروژه: مرتضی سرهنگی / ویراستار: سپیده شاهی / برای دفتر امور ادبی استان‌ها - تهران. خلاصه: سر، بی‌مان: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۶.

مشخصات فنی: ۱۱ ص.

فروشنده: لایان

شابک دوره: ۶-۵۳۷-۰۳-۹۷۸-۶۰۰

شابک ج: ۴-۱۷۶۱-۰۳-۹۷۸-۶۰۰

وضعیت فهرست نویسی: بیا

عنوان دیگر: روایتی از خاطرات دریادار دوم از شناسه: علی اکبر اخگر.

موضوع: اخگر، علی اکبر، ۱۳۲۸ - - - - - خاطرات

موضوع: ناخدایان و ناخدایی - - - - - ایستادن

موضوع: Iran - Diaries - pilotage - Iran -

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - عملیات دریایی

موضوع: Iran - Naval Operations - 1980-1988 -

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - - - - خاطرات

موضوع: Iran - Personal narratives - 1980-1988 -

شناسه افزوده: زارع، مهدی، ۱۳۶۰ -

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی - حوزه هنری، دفتر امور ادبی استان‌ها (تهران)

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۲۹ ۱۳۹۶ ۱۳۲۸ الف/

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۹۷۲۹۱۳

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۴

سندپوش پستی: ۱۵۸۱۵۱۱۴۴ تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۴۰۰۵۴۱۹

تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۱-۹۹۳ فکس: ۶۶۴۱۹۵۱

www.soremehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

مقدمه

بی هیچ اطلاعات درستی، روبه‌روی مردی نشستم که مویش را بر روی آب سفید کرده بود. در واقع اصلاً تصویری در دلم بنا نداشت با ناخدای یک ناو جنگی مصاحبه کنم. آمده مصاحبه با تکاورانی بودم که در مقاومت سی‌وچهار روزه -رشته- مشهر حضور داشتند اما... نه کتابی درباره جنگ روی دریا خوانده بودم و نه اطلاعاتی درباره اصطلاحات دریانوردی داشتم و نه حتی یک بار روی ناو جنگی رفته بودم.

در همان نشست اول وقتی دیدم از خگر صراحتاً گفت که کارهایش هیچ اهمیتی برای خود ندارد و آمده تا تلاش و اهمیت نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران مشخص شود، فهمیدم کار دشواری پیش رو دارم.

وقتی در پایان جلسه دوم چند جلد کتاب به من داد تا بخوانم و بعد از خواندن، زمان مصاحبه بعدی را مشخص کنم، برایم مسجل شد که تنها راه رسیدن به اطلاعات مدنظرم شاگردی کردن است. جلسات مصاحبه طولانی بود و اغلب اطلاعات،

سؤالات جدیدی را ایجاب می کرد. سؤالاتی که هر کدام پایه سؤالات دیگر در جلسات بعدی می شد. سؤالاتی که هنوز پاسخی برای بعضی هایشان پیدا نکرده ام. حالا که بعد از چند ماه، نوشتن این روایت به انجام رسیده، دریاداردوم بازنشسته علی اکبر اخگر یکی از نزدیکانم شده؛ مردی که دیگر کامل است؛ مردی که به همنشینی با او افتخار می کنم.

آذر ۱۳۹۵

مهدی زارع